

بر طبل تر از حیات،

او

مرگ را سرودی کرد

تاریخ گواهی معتبر است که کارگران سوسیالیست ایران، پس از تقریباً یک قرن، یعنی از زمانی که هسته‌ی غیبی کمونیستی، در اوائل قرن بیستم بوجد آمد و حزب کمونیست ایران بنیاد گذاشته شد، بار دیگر در مرکز جنبش کارگری قرار گرفته اند.

شاهرخ زمانی درست سکندار این تصحیح تاریخ است که با اندیشه و درایت خود و از خود گذشتگی بی دریغش، کشتی بزرگ جنبش کارگری ایران را بار دیگر در مسیر اصلی خود به درون طبقه برگرداند. طبعاً رشد همه جانبه خود طبقه کارگر چون دریائی عظیم شرائط عینی را برای این تغییر تاریخی فراهم ساخت.

امروزه دیگر نه حرفی از محفل های روشنفکرانه ی چند نفری هست، نه تئوری فوکو، چه گوارا و مبارزه ی مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک، نه الگوی چینی، راه محاصره ی شهرها از طریق دهات، کاربری دارد و نه خارج نشینی رهبری چون حزب توده که برای سالیان دراز با پشتیبانی احزاب برادر چون بختگی سایه بر جنبش کارگری انداخته بود.

شاهرخ زمانی مانند دیگر کارگران آگاه، ادامه دهنده ی راه کارگران سوسیالیستی هست که از درون جنبش کارگری برخاسته، سالیان دراز در شرائط سخت دیکتاتوری، روی سازماندهی مبارزات کارگری، طبق شرائط مشخص ایران پافشاری کرده و نگین سرخ سازمان کمونیستی را در دل چنین جنبشی کاشته است.

کارستگ شاهرخ زمانی ها، دیگر به الگوی روشنفکران و محفل های روشنفکری باید از بیرون تئوری را به داخل جنبش کارگری ببرند، پایان بخشید. و نقطه ی عطفی تازه ای را فراهم آورد که فرقه باید با نفی دیالکتیکی خود به جزئی از جنبش طبقه کارگر ببوندند و با آن یکی شوند.

احزاب و سازمان های سوسیالیستی در برابر این حرکت تاریخی خود طبقه کارگر ایران و کارگران پیشرو و آگاه آن مطمئناً با درس گیری درست از گذشته ی جدا از طبقه عمل کردن، این بار سر بلند بیرون خواهند آمد.

برماست که غم بزرگ طبقه کارگر را که موقتاً سرخود را از دست داده به نیرو تبدیل کنیم، آموزش های شاهرخ را با دل و جان به میان مبارزات جاری تودهای ببریم. ادامه دهندگان راه شاهرخ را که در درون خود جنبش هستند تقویت کنیم. این یعنی تبدیل کردن غم به نیرو، حرفی که امروز محمود صالحی در بیانیه اش در مرگ شاهرخ ابراز داشته است.

محسن رضوانی

2015-09-14